

بررسی حادثه آتش سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷

مریم صادقی پری^۱
الهام نیک فرجام^۲

مقدمه

آتش سوزی در سینما رکس آبادان در شرایطی به وقوع پیوست که مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی به مقطعی حساس رسیده بود. قیام مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶، در اعتراض به انتشار مقاله توهین آمیز علیه امام خمینی (ره) در روزنامه/اطلاعات، قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ و در ماه‌های بعد قیام‌های مردم در یزد، کرمان، اصفهان، مشهد، خوزستان و... نمونه‌ای از مبارزات مردمی بر ضد حکومت پهلوی است که حاکمیت توان کنترل و مهار آن را نداشت؛ لذا برای بیرون رفتن از بحران و مقابله با این گونه پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، به منظور خدشه‌دار کردن چهره انقلابیون مذهبی مخالف حکومت، جنگ روانی گسترده‌ای را به راه انداخت تا بدین وسیله نهضت اسلامی را دچار انفعال نماید. از جمله طرح‌های اطلاعاتی و روانی حکومت علیه نیروهای اسلامی و با استفاده از رسانه‌های گروهی طرفدار خود، معرفی انقلابیون مذهبی به عنوان عاملین

۱ و ۲. پژوهشگر تاریخ معاصر





فاجعه سینما رکس آبادان به افکار عمومی در داخل و خارج از کشور بود. این توطئه نه تنها باعث کند شدن یا توقف حرکت انقلاب نشد، بلکه برملا شدن آن موجب تسریع روند انقلاب، اعتراض بیشتر و تنفر توده ملت از حکومت پهلوی گردید.

جو سیاسی حاکم بر شهر آبادان در فاصله سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷

از زمان شروع نهضت امام خمینی (ره) در ۱۳۴۱ و اعتراض ایشان نسبت به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، خوزستان نیز همانند سایر شهرهای کشور همگام با حرکت علما و روحانیان، صحنه مبارزات مردمی بر ضد حکومت پهلوی بود و فعالیت‌های سیاسی در جهت حمایت از نهضت امام خمینی (ره) صورت گرفت که از جمله آن به وجود آمدن جریاناتی نظیر «تشکیلات علما و اصناف» بود.^۱ پس از تبعید امام خمینی (ره) به عراق، آبادان به دلیل نزدیکی به شهر عراق یکی از مراکز نقل و انتقال اعلامیه‌های امام خمینی (ره) بود. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در زمان ارتحال سید مصطفی خمینی در ۱۳۵۶، مردم آبادان و اهواز نیز همانند دیگر شهرها به برگزاری مراسم ختم پرداختند. جمعیتی بیش از ۴۵۰۰ نفر در حسینیه اعظم اهواز در این مراسم شرکت کردند.^۲ پس از کشتار خونین مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶، مردم اهواز نیز همگام با علما و روحانیان این شهر با عدم برگزاری نماز جماعت، تعطیلی بازار و برپایی تظاهرات، اعتراضات خود را به حکومت نشان دادند.^۳ به دنبال قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، به مناسبت چهلم شهدای قم، واکنش‌های گسترده‌ای در سرتاسر کشور از جمله در شهر اهواز شکل گرفت. یک روز پس از این واقعه در ۳ بهمن ۱۳۵۶، جامعه روحانیت اهواز در استان خوزستان عزای عمومی اعلام نمود و در ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ (چهلم شهدای مردم تبریز) مراسم عزاداری برگزار شد که این مراسم در مسجد جزایری منجر به برپایی تظاهرات علیه حکومت پهلوی و کشته شدن یک نفر گردید.^۴ علاوه بر اعتصاب مردم و بازاریان، دانشجویان دانشگاه جندی شاپور نیز در پشتیبانی از مبارزات مردمی از تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ از رفتن به دانشگاه‌ها خودداری و کلاس‌های درس را تعطیل کردند.^۵

۱. محمدرضا علم، *انقلاب اسلامی در اهواز*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۴۸.

۴. همان، ص ۱۱۲ و ۱۱۹.

۵. همان، ص ۱۳۹.

شرح واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان

در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ مصادف با ۱۵ رمضان ۱۳۹۸، سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع)، سینما رکس آبادان در نزدیکی اداره شهربانی که در یک منطقه کارگرنشین قرار داشت، در ساعت بیست و یک و چهل و پنج دقیقه و بر اساس گزارش ساواک در ساعت بیست و دو و ده دقیقه دچار حریق گردید و ۳۷۷ نفر در حالی که درهای سینما از بیرون قفل شده بود، در آتش سوختند؛^۱ تعداد کشته‌شدگان این حادثه در منابع غیر رسمی متفاوت ذکر شده است. روزنامه کیهان در ۲۹ مرداد ۱۳۵۷، این تعداد را حدود ۴۳۰ نفر می‌داند و در ۳۱ مرداد ۱۳۵۷، از قول سرتیپ رضارزمی (رئیس شهربانی) نقل می‌کند: «سالن سینما گنجایش ۷۰۰ تا ۷۵۰ نفر داشته است، شهود مختلف متذکر شدند که سالن کاملاً پر از تماشاچی بوده است.»^۲ روزنامه رستاخیز در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷، آمار دیگری را در این خصوص ارائه می‌دهد:



حادثه در ساعت ده و سی دقیقه بعد از ظهر شنبه در سینما رکس آبادان در حالی که نزدیک به هفتصد تن مرد و زن و کودک سرگرم

۱. علی دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۴؛ غلامرضا کرباسچی، *هفت هزار روز*، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱، ص ۸۸۳؛ جلال فرهمند، *در آستانه انقلاب اسلامی، اسنادی از اوپسین سال‌های حکومت پهلوی*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۵۲۵؛ *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۶۴.
۲. کیهان، ش ۱۰۵۴۷، ۱۳۵۷/۵/۲۹، ص ۲.
۳. همان، ش ۱۰۵۴۹، ۱۳۵۷/۶/۱، ص ۲.



تماشای فیلم فارسی «گوزن‌ها» بودند، روی داد. اولاً که سینما رکس آبادان بین ۹۰۰ تا ۹۳۰ صندلی دارد و به خاطر دیدن فیلم جوان پسند «گوزن‌ها»، که شب آخر نمایش آن هم بوده است، سالن سینما کاملاً پر بوده، یعنی ۹۰۰ تا ۹۳۰ بلیط فروش رفته بوده است، از آن گذشته، تعدادی کودک چند ماهه تا چهار ساله هم هستند که بدون بلیط و همراه با والدینشان به سینما می‌آیند، پس تعداد می‌تواند اندکی بیش از هزار نفر باشد.^۱

بر اساس گزارش‌های به دست آمده از اسناد ساواک، وزارت کشور و شاهدان عینی، اطفای حریق از سوی مأموران آتش‌نشانی به دلیل نبود تجهیزات لازم به کندی پیش می‌رفت. در گزارش ساواک در خصوص فعالیت مأموران آتش‌نشانی آمده:

ساعت ۲۲:۱۰ روز جاری سینما رکس آبادان دچار آتش‌سوزی گردید، مأمورین آتش‌نشانی شهرداری با سه دستگاه اتومبیل به محل اعزام شده بودند ولی این اتومبیل‌ها فاقد تجهیزات لازم از قبیل نورا فکن سیار و بلندگو برای اعلام خطر بودند. که اطفاء حریق تا این ساعت به کندی پیش می‌رود...^۲

در گزارش کامل‌تری که پس از حادثه مأموران ساواک آبادان در خصوص آتش‌سوزی سینما رکس اراپه می‌دهند، ضمن تأیید موارد قبل، نسبت به تأخیر آتش‌نشانی شرکت نفت در آبادان از قول مسئول این آتش‌نشانی می‌نویسد:

رانندگان اتومبیل‌های آتش‌نشانی در هنگام وقوع حادثه محل خدمت خود را ترک و اتومبیل‌ها را نیز قفل کرده بودند. به علاوه آتش‌نشانی شرکت ملی نفت تعهدی در مقابل آتش‌سوزی‌های شهری ندارد و...

در ادامه این گزارش دو نکته مهم مطرح می‌شود، اول آنکه شیر آب مخصوص آتش‌نشانی در خیابان جلوی سینما در زیر لایه‌ای آسفالت پنهان بوده و نکته دوم اینکه مدیر سینما پس از شروع نمایش فیلم در هر سانس درب‌های خروج سالن را به خاطر صرفه‌جویی در هزینه سینما برای استخدام دربان، می‌بسته است و در انتهای گزارش با یک اظهار نظر پیش از موقع و بدون نظر کارشناسان و متخصصین امر، علت قطعی آتش‌سوزی سینما را خرابکاری معرفی می‌کند.^۳

۱. غفار رحمتی، «سندی از کارنامه رژیم پهلوی»، زمانه، ش ۵۹، مرداد ۱۳۸۶، ص ۷۸.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۹، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۶۶.

بر خلاف گزارش‌های مأموران ساواک، روزنامه‌های دولتی در برخی از گزارش‌های خود به کتمان واقعیت می‌پرداختند:

مقامات و مأموران شهربانی، شرکت نفت، ژاندارمری، شهرداری و نیروی دریایی آبادان که دقایقی بعد در جریان قرار گرفته بودند، با سرعت به محل حادثه شتافتند. اما زمانی به محل رسیدند که دیگر کار از کار گذشته بود و تمام تماشاچیان سینما سوخته و ذغال شده بودند.^۱ البته گزارش‌های روزنامه‌ها در این زمان از زبان شاهدان عینی واقعه، قصور دستگاه‌های دولتی را در این فاجعه نشان می‌دهد. روزنامه/اطلاعات در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷ چنین آورده:

در این میان قصور دستگاه‌های آتش‌نشانی را نباید نادیده گرفت با آنکه چندین تلفن فوری به مراکز آتش‌نشانی شد و آنها در جریان حریق قرار گرفتند؛ اما خیلی دیر خود را به محل رساندند و ضمناً اتومبیل‌های آتش‌نشانی فاقد تجهیزات لازم بود. حتی یکی از ماشین‌ها آب نداشت.^۲ در گزارش کارشناسان ایمنی در خصوص آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، آتش‌نشانان با ۲۵ دقیقه تأخیر به محل حادثه اعزام شدند.^۳ مأموران دولتی نیز علت کثرت تلفات این فاجعه را در عدم حضور مسئولین و افراد آموزش دیده و موظف از طرف مدیر سینما، عدم آمادگی شیرهای آب آتش‌نشانی، عدم تجهیز دستگاه‌های آتش‌نشانی و عدم حضور نگهبان از طرف واحدهای انتظامی در محل سینما عنوان می‌کنند.^۴ صاحب سینما فردی به نام نادری بود که هنگام وقوع حادثه در سفر و خارج از شهر آبادان بود و مدیریت سینما به عهده شخصی به نام اسفندیار رضانی بود که وی نیز زمان وقوع حادثه در سینما حضور نداشت؛ تنها فرد حاضر در سینما حمید پایان نگهبان و سرایدار سینما بود که به جهت اهمال در وظیفه به همراه اسفندیار رضانی دستگیر و زندانی شد.^۵ این مطالب نشان می‌دهد که در زمان وقوع حادثه مسئولین سینما در سینما حضور نداشتند تا بتوان گزارش ساواک را مبنی بر علت قفل بودن درب‌های سینما درست تلقی کرد.

۱. کیهان، ش ۱۰۵۴۴، ص ۲.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۶۹۲، ۱۳۵۷/۵/۳۰، ص ۴.

۳. همان، ش ۱۵۶۹۶، ۱۳۵۷/۶/۵، ص ۳۲.

۴. همان، ش ۱۵۶۹۵، ۱۳۵۷/۶/۲، ص ۲۵؛ کیهان، ش ۱۰۵۴۸، ص ۲.

۵. لیلا اشرفی، خروج ممنوع؛ بررسی فجایع سینما رکس آبادان و مسجد جامع کرمان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۶۸.





بر طبق گزارشات شاهدان عینی واقعه نیز درب سینما در ابتدا باز و پس از آتش سوزی بسته شده است. «محمد جعفرزاده» از ناظران حادثه در خصوص بسته شدن درب سینما این گونه عنوان می‌کند:

وقتی که نگاه کردیم، شعله‌های آتش که هنوز زبانه نکشیده بود را دیدم که سینما را در بر می‌گرفت. عده‌ای از در ورودی به سرعت بیرون می‌دویدند، چند نفر که بیرون آمدند، نفهمیدیم چطور شد که در بسته شد ما هم سمت سینما دویدیم، اما به کسی اجازه نزدیک شدن به سینما را نمی‌دادند.^۱

موضع گیری امام خمینی (ره) و علما در رابطه با فاجعه سینما رکس

امام خمینی (ره) در ۳۱ مرداد ۱۳۵۷ طی پیامی از شهر نجف این جنایت را محکوم نمودند:

من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی بلکه انسانی دست به این چنین فاجعه وحشیانه‌ای بزند جز آنان که به نظایر آن عادت نموده‌اند و خوی درندگی و وحشی‌گری، آنان را از انسانیت بیرون برده باشد.

و در ادامه حکومت پهلوی را عامل انجام این جنایت معرفی می‌کند:

قراین نیز شهادت می‌دهد که دست جنایتکار دستگاه ظلم در کار باشد که نهضت انسانی - اسلامی ملت را در دنیا بد منعکس کند. آتش را به

۱. همان، ص ۷۹.



طور کمربند در سراسر سینما افروختن و بعد توسط مأمورین درهای آن را قفل کردن، کار اشخاص غیر مسلط بر اوضاع نیست...^۱

علاوه بر امام خمینی (ره)، علما و مراجع تقلید دیگر نیز اطلاعیه‌هایی را در محکومیت این جنایت صادر کردند؛ آیت‌الله محمد صدوقی در سخنرانی خود در ۲۹ مرداد ۱۳۵۷ در مسجد حظیره با حضور قریب دو هزار نفر، با محکوم کردن عملکرد حکومت، عاملین آتش سوزی سینما رکس را مأموران دولتی اعلام می‌نمایند و در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷ با صدور اطلاعیه‌ای رسماً رژیم را مجرم دانسته و اعلام نمودند:

بار دیگر دست‌های خون‌آلود رژیم تا مرفق در خون بی‌گناهان اصفهان، مشهد، قم، یزد، رفسنجان و... غوطه می‌خورد، از آستین مرگ و خدعه شیطانی بیرون آمد و جنایتی بس هولناک که روح چنگیز از شنیدن آن به لرزه درمی‌آید در شهر آبادان بیافرید.^۲

ایشان در ادامه این اعلامیه هدف حکومت را از این اقدام این گونه بیان می‌کنند:

برای اینکه افکار و احساسات یک عده ساده لوح [را] علیه نهضت مقدس تحریک کنند، دست به اقدام چنین فاجعه هولناکی زدند و به دنبال آن، در رسانه‌های گروهی و رادیو تلویزیون با قیافه‌هایی که دروغ سالوس و نفاق از سراپای آنها می‌ریزد برای این جنایت اشک تمساح می‌ریزد...^۳

جامعه روحانیت تهران نیز فاجعه مرگبار سینما رکس آبادان را محکوم و مسئول اصلی این فاجعه را حکومت عنوان کردند.^۴ در سوم شهریور ۱۳۵۷، اعلامیه‌ای به امضای فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم درباره فاجعه سینما رکس آبادان منتشر شد؛ در این اعلامیه جنایت سوختن ۳۷۷ تن از اهالی آبادان به حکومت نسبت داده شده است.^۵ آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب در سخنرانی خود در مسجد جامع شیراز در ۳ شهریور ۱۳۵۷، به آتش کشیدن سینما رکس آبادان را کار عوامل حکومت پهلوی عنوان می‌کند.^۶ آیت‌الله شریعتمداری نیز در پاسخ حجت‌الاسلام سید محمد دهدشتی

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲. شهید آیت‌الله محمد صدوقی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۳۱۲.

۳. همان، ص ۳۱۳-۳۱۲.

۴. علی دوانی، همان، ص ۲۱۹.

۵. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

۶. شهید آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۵۷۲.

نیز فاجعه آبادان را شبیه جنایت نازی‌ها و فاشیست‌ها در طی جنگ جهانی دوم عنوان می‌کند و اعلام می‌دارد: «مسئلاً هیچ مسلمان متشرع و عاقلی به چنین عمل خلاف انسانی و اسلامی دست نمی‌زند» و همچنین ایشان با کنایه حکومت پهلوی را مرتکب انجام این جنایت معرفی می‌کند: «بگذارید که هر چه بیشتر چهره ظلم و ظالمین و مرتکبین این چنین حوادث تکان‌دهنده آفتابی‌تر و بی‌آبرویی و رسوایی آنان بیشتر گردد.»^۱

واکنش مردم به فاجعه سینما ر کس آبادان

پس از فاجعه آتش‌سوزی سینما ر کس آبادان واکنش‌های اعتراض‌آمیزی علیه حکومت پهلوی در آبادان و بسیاری از شهرهای کشور شکل گرفت، تظاهرات کوچک و بزرگی که معمولاً منجر به درگیری مردم با نیروهای نظامی و انتظامی می‌شد.^۲ در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷، چند نفر از بازرگانان و متنفذین آبادان با اجتماع در دفتر شهردار این شهر اعلام نمودند که مقامات مسئول به موقع در محل حاضر نشدند و کمک‌های لازم به عمل نیاوردند.^۳ بنابر گزارش روزنامه کیهان مردم به دلیل جلوگیری پلیس و یاری رساندن به حریق‌زدگان با اجتماع در مساجد خواستار رسیدگی به مسئله اهمال رئیس شهربانی و مأمورانش در جریان اطفاء حریق شدند.^۴



۱. علی دوانی، همان، ص ۲۱۸.
۲. هدایت‌الله بهبودی، «۲۵ منزل تا انقلاب اسلامی»، مطالعات تاریخی، زمستان ۱۳۸۹، ش ۳۱، ص ۶۰.
۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۹، ص ۲۶۸.
۴. کیهان، ۱۳۷۶/۶/۱، ص ۲۷ و ۲۸.



در ۳۱ مرداد ۱۳۵۷، مردم آبادان علیه حکومت پهلوی و رئیس شهربانی تظاهرات می‌کنند و اعلام می‌دارند که سر‌تیب رضا رزمی (رئیس شهربانی) باید برکنار شود.^۱ سر‌تیب رزمی به پاس سر‌کوب قیام مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ از درجه سرهنگی به سرتیپی ارتقا پیدا می‌کند و به ریاست شهربانی آبادان انتخاب می‌شود. در اول شهریور مردم آبادان پس از برگزاری مجلس ترحیم کشته‌شدگان سینما رکس تظاهرات نموده و تمامی شهر به خاطر همدردی با خانواده‌های سوگوار به حالت نیمه‌تعطیل درآمد.^۲ در ۳ شهریور ۱۳۵۷، تظاهرات گسترده مردم به مناسبت هفتم کشته‌شدگان سینما رکس منجر به درگیری نیروهای نظامی حکومت و مردم و به شهادت رسیدن یک نفر شد.^۳ مردم به هیئت‌های تحقیق و تفحصی که برای بررسی این فاجعه تشکیل شد، کاملاً بی‌اعتماد بودند.^۴ تظاهرات و اعتراض‌های مردمی سبب شد تا حکومت نظامی در این شهر برقرار شود و تا هفتم کشته‌شدگان سینما تعداد بسیاری از مردم آبادان به ضرب گلوله نیروهای رژیم شهید و مجروح شدند. مردم در شهرهای مشهد، کرمان، تهران، قم و چند شهر دیگر تظاهرات خونینی به دفاع از مردم آبادان برپا کردند.^۵

گروه‌ها و سازمان‌های متعددی با صدور بیانیه این جنایت را محکوم کردند و دست مأموران دولتی را در آن هویدا دیدند. جمعیت حقوق دانان ایران که جمعیتی متشکل از حقوق دانان معروفی مانند عبدالکریم لاهیجی و هدایت‌الله متین‌دفتری بودند، طی بیانیه‌ای دولت را مقصر دانسته و نوشتند:

مگر ممکن است در شهری که دارای عظیم‌ترین تأسیسات نفتی است و مجهزترین سیستم آتش‌نشانی را دارد اتومبیل‌های آتش‌نشانی فاقد آب باشند و یا وسایل کامل‌تری در دسترس نباشد.^۶

علاوه بر داخل کشور هسته مبارزه در خارج کشور و اتحادیه‌های بین‌الملل نیز با محکوم کردن حکومت، علیه حکومت راهپیمایی و اطلاعیه‌هایی را صادر کردند.^۷

۱. روح‌الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۲.

۲. کیهان، ش ۱۰۵۴۷، ص ۱؛ غلامرضا کرباسچی، همان، ج ۲، ص ۸۷۷.

۳. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۲۹۲.

۴. هدایت‌الله بهبودی، همان، ص ۶۴.

۵. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۳۲۷-۳۲۶.

۶. اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۶، ص ۲۱.

۷. هدایت‌الله بهبودی، همان، ص ۶۴.

عملکرد حکومت پهلوی در مقابل آتش‌سوزی سینما رکس

پس از آتش‌سوزی سینما رکس آبادان حکومت پهلوی تلاش کرد مسئولیت این جنایت را به گروه‌های مبارز و انقلابیون مذهبی منتسب کند. بلافاصله پس از این واقعه روزنامه‌ها خبر این فاجعه را به شکلی شتاب‌زده تنظیم کردند و آن را به خرابکاران نسبت دادند؛ خرابکار صفتی بود که ساواک به مبارزان و افرادی که علیه سلطنت پهلوی اقدام می‌کردند، داده بود. رسانه‌های تبلیغاتی دولت، عاملین فاجعه سینما رکس را این‌گونه معرفی کردند:

گروه خرابکار و غیر معتقد به اصول انسانی با همکاری سرایدار سینما با مواد آتش‌زا سالن سینما را به آتش کشیدند.^۱

سررتیب رضارزمی در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷، ادعا کرد یک گروه تروریستی مارکسیست اسلامی، مواد آتش‌زا را در سینما رکس کار گذاشته‌اند. داریوش همایون سخنگوی دولت، برای انحراف اذهان از مسبب واقعی حادثه گفت: «تمام گروه‌های چپ و راست باید موضع خود را روشن کنند.»^۲ در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷، خبرگزاری رویترز طی یک گزارش ساختگی اعلام کرد: «مرد ناشناسی به دفتر خبرگزاری رویترز در تهران تلفن زد و اعلام کرد که ما گروه انقلابیون سیاه مسئول آتش‌سوزی سینما رکس آبادان هستیم.»^۳ شاه نیز در مصاحبه‌ای با این خبرگزاری، آتش‌سوزی سینما رکس را کار متعصبین مذهبی و کمونیست‌ها اعلام کرد.^۴ مسئولان آبادان گروه‌های افراطی چپ مانند مجاهدین خلق را عامل این فاجعه معرفی کردند.^۵ تمامی این اظهارنظرها، یک حقیقت را به خوبی روشن می‌کند که حکومت قصد دارد این اقدام را به تمامی گروه‌های مخالف خود منتسب نماید و به همین منظور گروه‌های اسلامی را در کنار مارکسیست‌ها به عنوان عاملین این فاجعه معرفی می‌کند.

یکی از بهانه‌های متهم کردن مذهبیون در خصوص آتش‌زدن سینما رکس توسط حکومت پهلوی این بود که تعدادی از سینماها در شهرهای مختلف کشور توسط انقلابیون به آتش کشیده شده بودند. اما واقعیت این بود که مخالفت مذهبیون با سینما به دلیل پخش فیلم‌های مستهجن و غیر اخلاقی بود. برای نشان دادن اعتراض خود،

۱. اطلاعات، ش ۱۵۶۹۱، ص ۴؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۹، ص ۲۶۴.

۲. غلامرضا کرباسچی، همان، ج ۲، ص ۸۸۴.

۳. همان.

۴. لیلا اشرفی، همان، ص ۸۰.

۵. همان، ص ۸۱.



چند سینما را در نیمه های شب که مردم در آن حضور نداشتند به آتش کشیدند. در حالی که فیلم گوزن ها که در سینما رکس آبادان نمایش داده می شد، نگاهی انتقادی به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه داشت. بنابراین این اتهام آنچنان ساده لوحانه بود که کسی باور نکرد.

اقدامات حکومت برای اینکه مخالفان خود و به خصوص انقلابیون مذهبی را عامل این جنایت معرفی کند با روشن شدن جزئیات حادثه نتیجه عکس داد. جزئیاتی نظیر قفل بودن درب های

خروجی، کیفیت مواد آتش زاء، تأخیر ده دقیقه ای در خبر کردن آتش نشانی، نبود آب در شیرهای آتش نشانی یکی از بزرگ ترین مراکز پالایشگاه نفتی جهان، نزدیکی شهربانی با محل سینما و توضیحات کارشناسان؛ همگی مبین دست داشتن ساواک و شهربانی در آتش سوزی سینما رکس بود.^۱ با اوج گیری دامنه اعتراضات مردم نسبت به عملکرد حکومت در قبال آتش سوزی سینما رکس، برخی از سردمداران حکومت پهلوی برای پاک کردن جنایات به وقوع پیوسته به دخل و تصرف در حقایق پرداختند. علی نوری زاده از روزنامه نگاران وابسته به دربار پهلوی، یکی از اقدامات تبلیغاتی حکومت را این چنین بیان می کند:

در دیداری که محمدرضا عاملی تهرانی وزیر اطلاعات و جهانگردی دولت شریف امامی با او و شمار دیگری از روزنامه نگاران داشته به آنان گفته بر اساس پرونده ای که در دست دولت است اسلامیون عامل آتش زدن سینما رکس بوده...

وی در ادامه برای توجیه این مطلب که چرا دولت با وجود داشتن مستندات علیه

۱. محمدرضا علم، همان، ج ۲، ص ۱۶۴.



مذهبیون اقدامی را انجام نداده است، می نویسد:

دولت اما نمی خواسته پرونده را پیگیری کند چون از یک سو، این می توانسته باعث رنجش آیات عظام و ایجاد مانع بر سر راه برنامه آشتی با آنان شود و از سوی دیگر مردم بی اندازه به حکومت بدبین بوده و ادعاهای آنان را باور نمی کرده اند.^۱

هوشنگ نهاوندی (وزیر علوم کابینه شریف امامی) در کتاب *آخرین روزهای پایان سلطنت و درگذشت شاه* در حالی که سعی می کند به تبرئه حکومت پهلوی از این جنایت بپردازد، مطالبی را بیان می کند که نمایانگر چهره حقیقی ماجرا است:

حکومت با بی خیالی به این ماجرا پرداخت به گونه ای که گویا یکی از حوادث معمول رخ داده است. از مطبوعات خواستند که زیاد به این ماجرا بند نکنند و مطبوعات نیز تقریباً همین گونه رفتار کردند. این روش بر خورد افکار عمومی را شگفت زده و منزجر ساخت. اعلیحضرتین در نوشهر بودند نه نخست وزیر و نه وزیر ی از دولت او به خود زحمت رفتن به آبادان را نداد...^۲

این ادعای نهاوندی که حکومت به مطبوعات دستور داده که به فاجعه سینما ر کس نپردازند نشان می دهد که رژیم پهلوی می دانست با زنده نگه داشتن این جنایت بزرگ در اذهان عمومی، پس از چندی سرنخها به دولت، ساواک و شهربانی ختم خواهد شد. و گرنه دست و پاهای مذبحخانه ای که حکومت برای مقصر جلوه دادن انقلابیون مذهبی زد، اگر واقعیت داشت به دلیل اوج گیری نهضت امام خمینی (ره)، می توانست به عنوان فرصتی برای ضربه زدن به نهضت از آن استفاده کند. اما رژیم می دانست این دست و پا زدن ها بیش از هر چیز شرایط را برای غرق شدن سلطنت فراهم می کند. نهاوندی در ادامه این مطالب به برگزاری جشن بزرگی در فردای این جنایت در دربار اشاره می کند و می نویسد:

چند روز بعد، هنگامی که همگان از ابعاد فاجعه آبادان آگاهی یافتند، مخالفان تندروی رژیم از مهمانی باشکوه و آتش بازی آن شب به سود خود استفاده کردند و آن را به باد انتقاد گرفتند. می گفتند هنگامی

۱. علی سجادی، «آتش سوزی سینما ر کس آبادان»، برنامه ویژه رادیو فردا، بخش سوم، واکنش های دولت، ۱۳۸۴/۵/۳۰.

۲. هوشنگ نهاوندی، *آخرین روزهای سلطنت و درگذشت شاه*، ترجمه بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون، امریکا، شرکت کتاب، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶-۱۳۴.

که شهر یکپارچه عزادار است آنان در دربار سرگرم رقص و آتش‌بازی هستند. اشتباه بزرگی روی داده بود. باید آن مهمانی را متوقف می‌کردند و از خیر آتش‌بازی چشمگیر هم می‌گذشتند. باید حتی عزای ملی اعلام می‌کردند. این ماجرا ضربه شدیدی به رژیم بود.^۱

هوشنگ نه‌اوندی در حالی معترض به اقدام درباریان در بی‌توجهی به ملت است که خود نیز همانند سایرین از شرکت‌کنندگان این مجلس بوده است.

پرویز راجی (آخرین سفیر شاه در لندن) در خاطرات خود در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ می‌نویسد:

در ملاقات با هوشنگ انصاری (وزیر دارایی) به او گفتم: اعلیحضرت فعلاً چاره‌ای ندارد جز اینکه خونسردی خود را حفظ کند؛ اوضاع را به حال خود بگذارد و در خصوص خونریزی و خرابکاری مخالفان دست به تبلیغات نزند تا بلکه طبقات متوسط از خواب غفلت بیدار شده، به عواقب سلطه اجامر و اوباش (!) پی ببرند. وقتی کار به استخوان همه رسید، می‌بایست یک واقعه قهراً آمیز و مرگ‌بار و ویران‌گر را بهانه قرار دهد، به عکس‌العمل محکم و چشمگیری دست بزند، ارتش را به صحنه آورد و با هر مقدار خشونت که لازم باشد، به سرکوبی مخالفان پردازد.^۲

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که ساواک طی برنامه‌ای با همین اهداف، آتش‌کشیدن سینما رکس آبادان را طراحی کرده؛ محمدحسن ناصری معروف به عضدی (معاون کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک)، ناصر نوذری معروف به رسولی (شکنجه‌گر ساواک)، مجتهدی معروف به دکتر مجیدی (بازجوی ساواک) و سعدی جلیلی اصفهانی معروف به بابک (متخصص مواد منفجره و تخریب ساواک) درست یک روز قبل از حادثه سینما رکس، وارد آبادان می‌شوند.^۳ در روز ۲۷ مرداد شاه طی مصاحبه‌ای می‌گوید: «من از فاجعه بزرگی که ارتجاع سیاه برای ایجاد وحشت بزرگ در این مملکت به وجود می‌آورد، می‌ترسم.»^۴ موضع‌گیری زودهنگام قبل از روشن شدن جزئیات حادثه در رسانه‌های داخلی و خارجی، عاملین این جنایت را به عنوانی نظیر خرابکار خواندن که اصطلاح ساواک در مقابل انقلابیون مذهبی بود، بدون اعلام نظر کارشناسان و آرایه

۱. همان، ص ۱۴۲-۱۴۱.

۲. پرویز راجی، در خدمت تخت طاووس، ترجمه حسن کامشاد، تهران، طرح‌نو، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶.

۳. لیلا اشرفی، همان، ص ۸۵ و ۱۷۷.

۴. جواد منصوری، ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۴، ص ۱۹۲.





مدارک مستند در این زمینه، دلیل دیگری بر دخالت دولت در آتش‌سوزی سینما رکس آبادان است.^۱

منوچهر آزمون (معاون اجرایی نخست‌وزیر در زمان شریف امامی) در اعترافات خویش در دادگاه انقلاب اسلامی اظهار می‌دارد: «سینما رکس را به دستور مستقیم شاه آتش زدند. نخست‌وزیر (آموزگار) روحش هم خبر نداشت. وقتی به او خبر دادیم، رنگش مثل گچ سفید شد؛ دستور مستقیم شاه بود.»^۲ پرویز راجی در یادداشت روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۷ خود با اشاره به واقعه آتش‌سوزی آبادان می‌نویسد:

به میرفخرایی در وزارت دربار تلفن زدم که از قول من به هویدا پیشنهاد کند تا یک روحانی بلندپایه را همین امشب به تلویزیون بیاورند تا وی این وحشی‌گری جنون‌آمیز را محکوم کند و آن را خلاف قوانین الهی بخواند... هنگامی که به فرودگاه رفتیم، از صحبت‌های فرهاد و حسین اشراقی این‌طور فهمیدم که حادثه آتش‌سوزی سینما دارد به سرعت زمینه را برای اقدامات شدید فراهم می‌سازد... به فکر رسید که شاید چند واقعه دیگر از این نوع باید اتفاق بیفتد تا سرکوب‌نهایی انجام گیرد.^۳

به دنبال فاجعه سینما رکس آبادان، جمشید آموزگار در اول شهریور ماه استعفا داد و شاه نیز به دلیل بحران فراگیر در کشور تصمیم به تعویض دولت گرفت؛ کاری که بعدها در کتاب پاسخ به تاریخ از انجام آن اظهار پشیمانی کرد.^۴ تظاهرات و ناآرامی‌های مردمی در اعتراض به فاجعه باعث شد که دستگاه‌های امنیتی رژیم برای آرام کردن اوضاع از همان روزهای اول خبر دستگیری عاملین این جنایت را دادند. سرتیب رزمی در فردای روز حادثه در مصاحبه‌ای گفت:

به دنبال تلاش مأمورین سرنخ‌هایی به دست آمده و حدود ده نفر دستگیر شده‌اند که امید می‌رود عاملان اصلی به زودی شناسایی و دستگیر شوند. آنچه مسلم است آتش‌سوزی به دست خرابکاران انجام شده است.^۵

۱. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۳۱۹.

۲. کامران غضنفری، *مداخلات؛ روایتی مستند از جنایات آمریکا در ایران*، تهران، کیهان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۴. محمدرضا پهلوی، *پاسخ به تاریخ*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، زریاب، ۱۳۸۵، ص ۳۴۵.

۵. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۳۲۴-۳۲۳.

چند روز پس از نشر این گزارش، روزنامه‌ها اعلام کردند که عامل فاجعه آتش‌سوزی آبادان، فردی ایرانی به نام «عبدالرضا آشور» در عراق دستگیر شده و اعتراف کرده که در حادثه سینما رکس دست داشته است.

عبدالرضا آشور در منابع ساواک به نام «هاشم منیشدپور» معروف به هاشم مقدم ذکر شده است. در تحقیقات مشخص شد که وی کارگری ساده است که به منظور کار به کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس تردد می‌کرده است.^۱ او تحت شکنجه ساواک وادار به اقرار دروغین شد و اتهام آتش زدن سینما رکس آبادان را پذیرفت. سپس وی را به آبادان انتقال دادند، دادستان وقت آبادان (ضرابی) و باز پرس پرونده (صرافی) متهم را بی‌گناه تشخیص دادند. ضرابی پس از پیروزی انقلاب در مصاحبه‌ای مطبوعاتی علت بی‌گناهی آشور را این‌گونه بیان می‌کند:

بارها مرا زیر فشار قرار دادند که باز پرس دادسرای آبادان را وادار کنم برای عبدالرضا آشور کیفرخواست صادر کند اما من زیر بار این دروغ بزرگ نرفتم، در نتیجه اختلاف بین باهری (وزیر دادگستری) و شریف امامی (نخست‌وزیر) اوج گرفت. شریف امامی از باهری مصرأمی خواست که در جهت اجرای نیت شاه برای خواباندن سر و صدای سینما رکس، عبدالرضا آشور را عامل این جنایت معرفی کنم و باهری همه این فشار را به من منتقل می‌کرد.^۲

محمد رضا پهلوی نیز در کتاب پاسخ به تاریخ می‌نویسد:

مقصر واقعی به عراق گریخت و در آنجا دستگیر شد. اعترافات او ثبت شد ولی قضاتی که مرعوب شده یا جبون بودند بر این قضیه سرپوش نهادند. فقط این شخص بود که می‌توانست بگوید این جنایت را به نیابت از چه کسی مرتکب شده بود.^۳

اصرار محمد رضا پهلوی و دیگر درباریان برای مقصر دانستن آشور به این دلیل بود که حضور وی در عراق را به ارتباط با امام خمینی (ره) ربط بدهند.

صرافی (باز پرس پرونده) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دادگاه رسیدگی به این موضوع، در خصوص عدم موافقت مجرمیت هاشم آشور چنین اظهار می‌کند:

هاشم آشور که بعداً معلوم شد هاشم منیشدزاده کارگر ریل شادگان

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۹، ص ۲۷۰.

۲. عباس سلیمی نمین، قتلگاه رکس، تهران، روزنامه همشهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲.

۳. محمد رضا پهلوی، همان، ص ۳۳۵-۳۳۴.





و ساکن خرمشهر است، فقط به خاطر فقر و بدبختی و برای کار به عراق رفته بود. وی تحت فشار در کمیته مشترک تهران افراد بی‌گناهی را به عنوان همدست معرفی کرده بود، ولی من زیر بار صدور قرار مجرمیت نرفتم. رژیم تلاش می‌کرد که وانمود کند مسبب حادثه، روحانیت مبارز تحت رهبری امام خمینی بوده‌اند.^۱

ارتشبد قره‌باغی در مصاحبه‌ای با احمد احرار در خلال بررسی وقایع سال‌های ۵۶ و ۵۷ به اعترافات باهری در قبال بی‌نتیجه ماندن این ترفند حکومت برای فرار از فشار مردم اشاره می‌کند:

می‌دانید که آتش‌سوزی سینما رکس قبل از تشکیل دولت شریف امامی اتفاق افتاد ولی چون مسئله‌ای بود که فراموش شد. در هیئت دولت از همان ابتدا صحبت می‌شد که بالأخره باید عوامل این حادثه را پیدا کند... هر بار در جلسات هیئت دولت قبل از ورود در دستور راجع به این موضوع مذاکره می‌شد و آقای شریف امامی از باهری سؤال می‌کرد پرونده به کجا رسید. ایشان هم جواب می‌داد که مشغول هستیم...

در ادامه قره‌باغی به گفت‌وگوی خصوصی خود و باهری در مورد آن موضوع اشاره می‌کند که باهری عنوان می‌کند: «من این پرونده را مطالعه کردم ولی چیز درست و حسابی در آن ندیدم.»^۲

از شیوه‌های شناخته‌شده که به تقلید از کشورهای غربی در ایران به کار گرفته شده بود، ایجاد رعب و وحشت بعد از سراسری شدن قیام و مبارزات مردمی علیه حکومت بود. ایجاد آتش‌سوزی در اماکن عمومی برای ترساندن و خسته کردن مردم از مبارزه از جمله روش‌های این شیوه بود. ارتشبد قره‌باغی در همین مصاحبه علاوه بر آتش زدن سینما رکس آبادان به مصادیق دیگر این سیاست اشاره می‌کند. وی چند ماه پس از فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان از عملکرد دولت، مأموران نظامی و شهربانی به دلیل عدم کنترل بر اوضاع در شهر تهران معترض می‌شود:

در طبقه ششم ساختمان وزارتخانه که در جنوب پارک شهر قرار داشت نگاه کردم و دیدم از نقاط مختلف آتش و دود زبانه می‌کشد ضمناً بعضی اشخاص که تلفن می‌کردند می‌گفتند که مأمورین فرمانداری

۱. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۳۲۶.

۲. چه شد که چنان شد؟، گفت‌وگوی احمد احرار با ارتشبد عباس قره‌باغی، امریکا، آران، ۱۹۹۹م، ص ۷۳-۷۲.

نظامی و مأمورین پلیس که آنها هم مأمور فرمانداری نظامی تلقی می‌شدند ایستاده‌اند نگاه می‌کنند و هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند... بنده دیدم دیگر قابل تحمل نیست، تلفن کردم حضور اعلیحضرت، عرض کردم نقاط مختلف شهر در آتش می‌سوزد و حالا کمی هم هوا تاریک شده ستون آتش کاملاً دیده می‌شود. با سپهبد صمدیان پور صحبت کردم، این‌طور اظهار می‌کند. فرمودند خوب، دیگر چه خبر است؟...^۱

مقایسه گذرا بین آتش‌سوزی سینما رکس آبادان و این آتش‌سوزی‌ها عملکرد مشابه را در همه آنها نشان می‌دهد؛ بعد از به آتش کشیده شدن سینما رکس، پلیس که مقر آن در سیصد قدمی سینما بود اجازه نداد که مردم به محصورین در آتش کمک کنند. همچنین به نوعی عمل شد که آتش‌نشانی پیشرفته آبادان بعد از پایان جنایت، یعنی سوختن حاضران در سینما در صحنه حاضر شود، در حالی که اطفای حریق در همان دقایق اولیه آتش‌سوزی ممکن بود.

دادگاه پس از انقلاب

پس از گذشت دو سال از ماجرای سینما رکس آبادان با تلاش بازماندگان فاجعه و در نهایت دادخواهی از امام خمینی (ره) برای رسیدگی به پرونده این جنایت در ۲۶ تیر ۱۳۵۹، اطلاعیه‌ای از سوی دادستان آبادان انتشار یافت که در آن از عموم مردم خواسته شده بود که کلیه اسناد و مدارک خود را در مورد سینما رکس در اختیار دادستانی قرار دهند.^۲ سرانجام در ۳ شهریور ۱۳۵۹، اولین جلسه دادگاه به ریاست حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در سینما نفت برگزار شد. این دادگاه در حالی تشکیل شد که عوامل اصلی این جنایت نظیر سر‌تیب علی اصغر ودیعی (رئیس ساواک خوزستان) سر‌تیب رضا رزمی (رئیس وقت شهرداری آبادان)، مهندس عزیزی (رئیس وقت سازمان آب آبادان)، دکتر بیژن صالحی (شهردار وقت آبادان)، محمدحسین ناصری معروف به عضدی (معاون کمیته مشترک ضد خرابکاری)، نوذری معروف به رسولی (بازجوی کمیته مشترک و شکنجه‌گر)، سرهنگ تیمور وثوقی (بازپرس نظامی ارتش) و سعید جلیل بابک اصفهانی (مأمور کمیته مشترک ضد خرابکاری) از ایران گریخته بودند و غیاباً مورد محاکمه قرار گرفتند.^۳

۱. همان، ص ۹۵-۹۴.

۲. لیلا اشرفی، همان، ص ۱۲۸-۱۲۷.

۳. عباس سلیمی‌نمین، همان، ص ۲۵.





متهم ردیف اول پرونده فردی به نام حسین تکبعلی زاده (۲۱ ساله) فرزند علی، اهل و ساکن احمدآباد آبادان که معتاد و بیکار بود و بر اساس اقرارش عامل اصلی آتش سوزی سینما رکس وی و دوستانش بودند که در آتش سوزی مفقود شده‌اند. حسین تکبعلی زاده در ۴ دی ۱۳۵۷ با صدور قرار بازداشت موقت زندانی و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی با باز شدن درب‌های زندان از زندان فرار کرده بود و در ۶ خرداد ۱۳۵۸ مجدداً بازداشت شد.^۱ وی یکی از افرادی بود که برای سوزاندن سینما رکس به خدمت ساواک درآمده بود، اما برای فرار از مجازات اعدام در دادگاه عمل خود را یک حرکت انقلابی عنوان می‌نمود. ادعایی که هیچ دلیل و مدرکی برای اثبات آن نتوانست ارائه دهد. در ابتدای بازجویی‌ها به گفته بازپرس پرونده حرف‌های ضد و نقیض بسیاری در رابطه با آتش سوزی سینما رکس می‌زد که تماماً ضبط و ثبت شده است تا اینکه از سوی بازپرس احضار و خبر دستور تشکیل دادگاه علنی در رابطه با سینما رکس را به وی دادند. حسین تکبعلی زاده در نامه‌ای خطاب به مردم آبادان مجرم اصلی این اقدام را ساواک و شاه معرفی می‌کند و در آخرین دفاعیات خود از مردم می‌خواهد آنهايي که در بستن درهای سینما دست داشتند را مقصر واقعی این جنایت بدانند. وی در نامه‌ای دیگر به کمیسیون نظارت بر دادگاه‌های شهرستان نوشته است: «این کار، کار رژیم و بازپرس وقت بود و من بی‌گناه هستم.» طبق سخنان دادستان پرونده، متهم طی ده الی یازده بازجویی صورت گرفته، مطالب را هر بار به گونه‌ای بیان کرده و از سوی دیگر تحقیقات صورت گرفته از کسانی که متهم مدعی ملاقات با آنهاست، خلاف گفته‌های

۱. لیلا اشرفی، همان، ص ۱۳۳.

او را ثابت می‌کند.^۱

سرانجام پس از ۱۸ جلسه پی در پی که در آن دفاعیات ۳۴ متهم پرونده و گزارش‌های ۳۲ تن از شهود شنیده شد، رأی نهایی از سوی رئیس دادگاه صادر گردید. در نتیجه این حکم سیزده تن از عاملان فاجعه که به طور مستقیم و غیر مستقیم در آن نقش داشتند همانند حسین تکبعلی‌زاده به اتهام مشارکت در آتش زدن سینما رکس، علی نادری (مدیر و صاحب امتیاز سینما رکس)، اسفندیار رضانی دهقانی (مدیر داخلی سینما رکس) و حمید پایون (مسئول حفاظت سینما) به اتهام عدم رعایت مقررات و انجام وظایف قانونی و ترک وظیفه به اعدام محکوم شدند.^۲ چهارده تن از متهمان این پرونده به زندان محکوم شدند و پنج تن، از اتهامات وارده تبرئه گردیدند.^۳

کلام آخر

بررسی عملکرد حکومت پهلوی در فاجعه سینما رکس آبادان، نشانگر این مطلب است که دست‌اندرکاران رژیم پهلوی برای حفظ قدرت و تسلط بر مردم از هیچ جنایتی کوتاهی نمی‌کردند. در زمانی که آتش انقلاب مردم ایران به رهبری امام خمینی سراسر ایران را یکپارچه کرده بود، حکومت پهلوی برای فرو نشانیدن این انقلاب و دور کردن مردم از نهضت امام خمینی و مخدوش کردن چهره مذهب و انقلابیون مذهبی، اعمال غیر انسانی نظیر آتش‌سوزی سینما رکس آبادان را به نمایش گذاشت تا بلکه با توسل به این شیوه و ایجاد رعب و وحشت در جامعه با هدف بدنام کردن انقلابیون مذهبی، مردم را از مسیر مبارزه دور و ادامه راه را برای آنها غیر ممکن سازند. این سیاست رژیم به خواست خدا و افشاگری‌های امام خمینی (ره) و علما خنثی گردید و آتش سینما رکس آبادان بیش از هر چیز دامن رژیم پهلوی را گرفت و دودمان سلطنت را سوزاند و خاکستر کرد.

۱. همان، ص ۱۴۶-۱۴۲.

۲. عباس سلیمی‌نمین، همان، ص ۲۶-۲۵.

۳. لیلا اشرفی، همان، ص ۱۷۴.





میسری ۲۲۰/۱۳۵
۳۷/۵/۲۹

آتش سوزی در سینما رکس و کشته شدن ۳۷۷ نفر از تماشاچیان در آبادان - استان خوزستان

- ۱- حد و ساعت ۲۲۱۰ روز ۳۷/۵/۲۸ سینما رکس شهر آبادان - استان خوزستان در حالیکه حد و ۲۰۰ نفر در آن مشغول تماشای فیلم بود هاند ، دچار آتش سوزی گردید است .
- ۲- تماثب آتش سوزی فون ، سه د ستگاه اتو مهمل آتش نشانی شهرد ار آبادان بسرای اطفا ، حریق به محل حادثه رفته ود رحالیکه جمعیت د سینما محبوس شده بود ، مامورین آتش نشانی به اطفا ، حریق برد اختتامند .
- ۳- نتایر بانکه اتوصیلهای آتش نشانی مذکور از تجهیزات کامل مانند نورا فکس بر خوردار شونده هاند و بلندگوی اعظم خطر نیز در اختیار آنان نبود هاست ، کار آتش نشانی با اشکال مواجهه بوده است .
- ۴- برای سرعت بخشیدن به عملیات اطفا ، حریق از بانگا ههای دریایی واداره بنیاد رود کشورانی غرض شهرو آتش نشانی شرکت ملی نفت ایران نیز کمک خواسته عده است .
- ۵- بعلت شدت آتش سوزی ود وظیفه ناشی از حریق ، نجات تماشاچیان سینما مقده در نگریده و سرانجام د ساعت ۱۰۰ - روز ۳۷/۵/۲۹ آتش مهار و خاموش گردید هاست و قسمتی از سقف سینما نیز فرو رفته است .
- ۶- از ۳۹۱ نفر تماشاچیان حاضر در سالن سینمای مذکور ، ۳۷۷ نفر از آنان فوت ، (نفری مبروح و فقط ۴ نفر زنده ای آتش سوزی از طریق د ریه های غرضی سینما موفق به فرار شده هاند .
- ۷- اجساد کشته شدگان به گورستان شهر آبادان حمل گردیده ، ناپس از انجام پشرفیات قانونی و مدعی (نظریه بانکه د را شش دت سوختگی هویت آنان قابل شناسایی نبوده) ، بصورت دستجمعی ، خاک سپرده شوند .
- ۸- آتش نشانی شرکت ملی نفت ایران د آبادان با یکساعت ونیم تا غیر با تعد ای مامورین و سایلر د محل حادثه حاضر و آتش نشانی بانگاه دریایی غرض شهرد نیز از یکساعت به محل رسید هاست .
- ۹- مسئول آتش نشانی شرکت ملی نفت ایران د آبادان به شهرد ار آبادان گفته که رانندگان /

۴۱۳
میسری
۳۷/۵/۲۹
۶ ر ۵

این سند در تاریخ ۲۲/۵/۹۶ در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۰۰/۱۳۵/۲۲۰/۱۳۵ ثبت گردید.



اگر فرضی بود که در این آتش نشانی نشانی در هنگام وقوع حادثه ، عمل خدمت خود را متوقف و
 آتش‌نشانان آتش‌نشانها را از محل حادثه دور کردند . به علاوه آتش نشانی شرکت ملی نفت ایران در آبادان
 تعهد ید رمورد آتش سوزیها میسرند ارد .

۱۰- شهاب مخصوص آتش نشانی تعبیه شده در خیابان جلوی سینمای مذکور در زیر
 لایهای زاسفالت پنهان بود . است .

۱۱- سینمای مذکور قدیمی با راهروهای باریک و فاصله در ریههای بیضی بود . مدت
 سینما نیز معمولاً پس از شروع نمایش فیلم در هر ساعت در ریههای خروجی سینما را قفل و
 بدینحال کارهای شخصی خود میرفته و هنگام خاموشی فیلم مجدداً در ریههای سینما
 راه میگرد . علت این اقدام مسئول سینما ظاهر اجنبه صرفه جویی در هزینه
 سینما برای استخدام دربان داشته است .

۱۲- کارشناسان متفحصین امر تا کمن نظر خود را در باره علت قطعی آتش سوزی اعلام
 نکردند و سرگرم بررسی در این باره میباشد ولی کیفیت آتش سوزی بنحوی بود که
 که بنظر میرسد جنبه خرابکاری داشته و آتش سوزی بطور صدی صورت گرفته است زیرا
 آتش از چهار سوی سالن بطوریک زمان زمانه کشید . است .

۱۳- صبح روز ۲۹/۵/۳۷ مدای از افراد یکی بستگان خود را در حاد مذکور
 از دست دادند . در جلوی شهر باسی آبادان اجتماع و شمارهای بمضوع زیر
 داد ماند :

چرا افسران پلیس با خرابکاران مباحثات میکنند ، مرکز بر خمی ، مانع مساعدت را آتش
 خواهیم زد .

۱۴- طبق اطلاع اجساد تعدادی از کشته شدگان تا ساعت ۱۳۰۰ روز ۲۹/۵/۳۷
 بخاک سپرده شده است .

ارزهای خسارت
 غیر صحت دارد .
 اقدامات انجام شده :
 مراتب به نخست وزیر اعلام گردیده است .